

# جوانان حکمتیست ۳۰

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست  
Youth Communist Organization - Hekmatist



[www.javanx.com](http://www.javanx.com)

سر دبیر: فواد عبداللہی

baahrams@yaho.com

دبیر سازمان: بهرام مدرسی

سه شنبه ها منتشر می شود ۲۲ مارس ۲۰۰۵ - ۲ فروردین ۱۳۸۴



## از ترس هیولا به اژدها پناه میبرید!



داده شود. ترساندن مردم از اینکه مبدا دولت دست "ژنرالهای داخلی و خارجی" بیفتد، دردی از آینده ایران را ترسیم خواهند کرد. این سخنان عیسی سحر خیز مرا یاد دوران کودکی ام انداخت. برای اینکه مرا بترسانند و به زعم خودشان ترس از خدا و جهنم را در وجود من بکارند، میگفتند: "خدا در روز قیامت یک هیولا را نشان انسان می دهد که از ترس به اژدها پناه میبرد و خودش را پشت اژدها قایم میکند." این تمثیل امروز مصداق سخنان این اصلاح طلب بیچاره است که چطور برای گرم نگه داشتن تنور انتخابات کذایی ریاست جمهوری که در پیش است دارد به روش خودشان برای نظام اسلامی مجاهدت میکند. انگار مردم یادشان رفته که همین حضرات بیش از ۸ سال وقت مردم را تلف کردند این در حالی بود که هم قوه مجریه و هم مقننه در اختیارشان بود اما نتوانستند حتی یاران خود را زیر دست و پای قوانین خفت بار اسلامی حاکم نجات بدهند و در جریان کوی دانشگاه تماما در کنار عمو زاده های خشنشان قرار گرفتند و در سرکوب ولی مردم دیگر از این زوزه های اصلاح طلبی عبور کرده اند و تره هم برآش خورد نمیکنند. سحر خیز از انداختن "رای سفید و پوشیدن لباس سفید" برای نشان دادن عدم صلاحیت رئیس

### جمال کمانگر

جمهور آینده اگر از قماش اصلاح طلبان نباشد بعنوان راهکاری که توجه جهانیان را جلب میکند یاد میکند این در حالی است که خود جمهوری اسلامی با هر دو جناحش از نظر مردم ایران از همان بدو سر کار آمدنش مشروعیت نداشته و ندارد. این یک عوامفریبی بیش نیست که در جمهوری اسلامی دنبال انتخابات آزاد باشید. این کارت سوخته ای است که دو خردادی های سرگردان با آن بازی میکنند. حتی اگر رئیس جمهور بعدی هم از دوستان سحرخیز باشد باز هم سؤال اصلی همان کلیت جمهوری اسلامی است که مردم آن را نمی خواهند.

سال گذشته برای جوانان جامعه ایران سالی بود که "نه" بزرگ خودشان را دوباره و در سطحی رادیکالتر به کل موجودیت رژیم اسلامی و کل قوانین قرون وسطایی تحمیل شده بر حیاتشان اعلام کردند. در محلات، دانشگاه ها، در میدانهای کار، در شهرهای بزرگ و کوچک، هر جا که نشانی از جوانی و تمایل به زندگی، عشق، علاقه در دنیایی آزاد و برابر وجود دارد، دقیقا همانجا نفرت از اسلام و قوانین هزار سال پیش، بیزاری از احکام قرآن و عقب ماندگی فکری و معنوی و تمام این شرایطی که این حکومت بر دو دهه و نیم زندگی این نسل تحمیل کرده را با خود به همراه داشته است. کشمکش، نافرمانی و رودرروی جوانان با رژیم اسلامی در سال گذشته یک تقابل زنده و واقعی بوده است. سال گذشته اما در عین حال



### بهرام مدرسی

سال رادیکالیزه تر شدن اعتراض این نسل بخصوص در دانشگاه ها بوده است. اتفاقی که در ۱۶ آذر ۸۳ افتاد بار دیگر خواسته های نسل جوان را در برابر کل جامعه و بشریت آزدیخواه امروز جهان قرار داد. مطالبات و شعارهای ۱۶ آذر حتی بعد از آن هم به شیوه های گوناگون در شهرها و دانشگاه های مختلف از جمله اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، سنندج و ... تکرار شد. خواست "آزادی و برابری" بمعنای خواست حیاتی که در آن انسان به تمام معنا آزاد و برابر است، مهر خود را بر اعتراضات و مبارزه این نسل کوبید. سال گذشته زندگی جوانان جامعه ایران کماکان مشقت بار، مشکل و پر درد بود اما در عین حال سالی بود که الیت روشنفکری و رهبران اعتراضی این نسل در محلات و دانشگاه ها متوجه شدند که فقط با مطالبه و اعتراض رادیکال که همانا برانداختن و سرنگونی رژیم منحوس اسلامی با کل دم و دستگاہ سرکوب و اشاعه ارتجاع و خرافه است، می توان به آرزوی زندگی در نظامی آزاد و برابر و سعادت مند تحقق بخشید.

به امید زندگی در سالی بهتر!

## گروپ جوانان حکمتیست در یاهو!

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

**زنده باد آزادی! زنده باد برابری!**

# سرنگونی جمهوری اسلامی و پلاتفرم چپ و راست جامعه منشور سرنگونی حکمتیستها، پرچم چپ برای سرنگونی رژیم

## اذر مدرسی



پیامدها و تاثیر شکست دو خرداد بر اعتراضات و مبارزات مردم و همینطور آرایش اپوزیسیون قابل تامل است. شکست دو خرداد علاوه بر اثبات بوجی تزی اصلاح پذیر بودن رژیم و یکدست کردن رژیم، هر نوع تلاشی از این دست را برای نجات رژیم پس زد و مردم را وارد دور جدیدی از مقابله با رژیم کرد. پس از شکست دو خرداد مردم وارد یکدور رودروئی مستقیم و آشکار با رژیم اسلامی شدند، رودروئی بدون فیلتر "دوخرداد" مردم دیگر برای ابراز نفرت شان از رژیم نیازی به بهانه کردن دستگیری فلان "شخصیت" دوخردادی نداشتند. اعتراض به نبود آزادی بیان دیگر از کانال اعتراض به بستن فلان روزنامه دو خردادی نمیگذرد. دو خرداد حتی خاصیت فیلتری خود را از دست داد و از این نظر رابطه جنبش سرنگونی مردم و رژیم اسلامی وارد دور جدیدی شد، دوره تقابل و رودروئی مستقیم. دوره ای که سرنگونی طلبی به بستن اصلی اعتراضات و مبارزات مردم تبدیل شده و جنبش سرنگونی بدون هیچ محملی اینبار مستقیم در مقابل کلیت جمهوری اسلامی ایستاد. سرنگونی رژیم امر امروز مردم شده است. اما شکست دو خرداد در صفوف خود دوخرداد، اپوزیسیون دوخردادی و اپوزیسیون راست آرایش جدیدی را بوجود آورد. اپوزیسیون ملی مذهبی، اپوزیسیون پرو رژیم و صفوف پائینی دو بخش داخل کشوری دو خرداد که "نافرمانی مدنی"، "عبور از خاتمی"، "آرامش فعال"، "خروج از حاکمیت" و ... را پشت سر گذاشته بود، نا امید و سرخورده از سیاست اصلاح رژیم شروع به جدا کردن

سرنوشت شان از رژیم کردند. انتقاد صریح تر از ولایت فقیه و جناح راست و لایه بالائی دو خرداد، فاصله گرفتن لایه های پائینی مانند دفتر تحکیم وحدت نمونه هائی از این واقعیت هستند، اما فهمیدند که این کافی نیست. امید به هر نوع تغییری در چارچوب این رژیم این لشگر نا امید و شکست خورده را به این نتیجه رساند که رژیم باید برود. پیوستن اینها به مخالفین نظام، کسانی که خواهان تغییر رژیم و رفتن آن هستند، از این سرخوردگی ناشی میشود. همانطور که ما پیش بینی کرده بودیم اینها به صف مخالفین رژیم پیوستند، به صف اپوزیسیون راست. اپوزیسیون که از سلطنت طلب تا جمهوریخواه لائیک، از کسی که به چیزی کمتر از رضا شاه دوم رضایت نمیدهد تا کسانی که خود را چپ و لائیک و جمهوریخواه میدانند را در بر میگیرد. طیفی که امروز اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی را تشکیل میدهند، اپوزیسیونی که خواهان رفتن رژیم و به این معنی سرنگونی طلب است با ترکیب چند سال پیش آن متفاوت است. امروز سازگارا هم سرنگونی طلب شده و این صرفا یک نمایش، کلاهبرداری و یا کلک نیست. برای راست، رفتن رژیم اسلامی تنها راه نجات کل سیستم و ماشین سرکوب و دم و دستگاہ دولتی است. هر از چند گاهی طرحی از طرف اندیشمندان این طیف اعلام میشود. نقطه اشتراک این طیف متنوع "لیبرالها" و آنارشئیستها و لائیک و ..... فقط و فقط در ممانعت از دخالت مردم است. جمهوریخواه ملی، جمهوریخواه لائیک، اکثریتی، انجمن اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، سلطنت طلب، منشور ۸۱، همگی طیفی از

اپوزیسیون رژیم هستند که به هر راهی حلی برای سرنگونی رژیم بدون دخالت مردم آری میکنند. مهم نیست این راه حل رژیم چینج امریکا است یا طرح رفرا ند م یا بیانیه ۵۶۵ نفر و بیانیه های دیگری که هر روز مدلی از آن به "بازار" عرضه میشود. نقطه اشتراک همه این طرح ها و نیروهای طرفدار آن رفتن رژیم بدون دخالت مردم، دست بدست شدن قدرت از بالای سر مردم است. مردم این میان فقط نقش سیاهی لشگری را دارند که بدنبال رفرا ند م یا تغییر قانون اساسی دنبال نخود سیاه فرستاده میشوند و گاهی هم ابزار و اهرم فشاری برای قدرت نمائی و ابراز وجود.

بعد از طرح رفرا ند م امروز بیانیه ۵۶۵ نفر، که مانند طرح رفرا ند م استارتزت از "داخل" زده شده، مسئله ای شده که اپوزیسیون راست را به شدت به خود مشغول کرده است. مسابقه ای اعلام نشده ای در میان جریانات راست برای حمایت از این بیانیه به راه افتاده است. احتمالا این بیانیه هم مانند طرحهای دیگر مدتی نیروهای راست را به خود مشغول میکند تا طرح بعدی از راه برسد.

بیانیه ۵۶۵ نفر رو به مردم نیست. مردم را به کار خاصی فرا نمیخواند و حتی از این نظر از طرح رفرا ند م عقب تر است. این بیانیه نه به مردم کاری دارد و نه مخاطبش مردم است. مردم قرار نیست با این بیانیه حتی اعتراضی کوچک مقابل دفتر کمسیون حقوق بشر هم بکنند. برعکس بیانیه برای جلوگیری از دخالت مردم است به بهانه "هرج و مرج" و شلوغ شدن اوضاع. این بیانیه سندی است برای جمع کردن نیروی اپوزیسیون راست، رو به نیروهای خودی راست، رو به

غرب و در درجه اول امریکا است که اگر قرار شد فردا لویه جرگه ای درست شود اندیشمندان این بیانیه و طرفدارانش را در ردیف اول آن بنشانند و کرسی های اصلی را به آنها بدهند. این بیانیه برای اعلام آمادگی تشکیل لویه جرگه در ایران است. اتحاد حول همه پرسه همگانی، منشور ۸۱، SOS ایران، رفرا ند م، بالاخره امروز بیانیه ۵۶۵ نفر. طرحهای مختلف یک جنبش اند، جنبش سرنگونی طلب راست.

نگاه کوتاهی به بیانیه ۵۶۵ نفر بیندازیم، به معضلاتی که بیانیه به آن اشاره دارد: "تهدید هویت تاریخی و تمامیت ارضی و منافع ملی کشور"، "عدم فروش هواپیماهای ایرباس به ایران و ایجاد جو بی اعتمادی و حساسیت بین المللی نسبت به دستیابی ایران به تکنولوژی هسته ای"، "جزایر همیشه ایرانی سه گانه"، "خلیج همیشه فارس"، "هراس از "تجزیه طلبی" و "آشوب" (به میدان آمدن مردم). بوی گند ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی آن خفه کننده است. اینها مسئله مردم نیست، اینها مسئله بانک جهانی و امریکا و ناسیونالیسم ایرانی است. اشاره به بیحقوقی زن و اعدام و آزادی بیان چاشنی بیزرزه ای است که نمیتواند این سند راست را به جای پلاتفرم مردم برای لغو آپارتاید جنسی، برای لغو اعدام، برای آزادی بیان و آزادی فعالیت احزاب سیاسی و خلاصی از حاکمیت مذهب و سرمایه جا بزند.

تقابل و رودروئی مردم با این رژیم نه از این سر است که چرا رژیم اسلامی مدافع خلیج "همیشه فارس" نیست. تظاهرات و تحصن و میتینگها و اعتراضات جوانان، کارگران، معلمان و زنان نه برای روشن شدن سرنوشت خلیج همیشه فارس، نه برای مسلح شدن

رژیم به سلاح های هسته ای، نه برای فروش قطعات هواپیمای ایرباس، بلکه برای آزادی از رژیم مذهبی است که در لحظه به لحظه زندگی مردم در مقابل آنها قرار گرفته است. ۱۶ آذر و ۱۸ تیر و ۸ مارس و فستیوال تمامیت ارضی بلکه برای دفاع از حرمت و کرامت انسانها و آزادی و برابری جامعه برگزار میشود. اما اینها مسئله نویسندگان و مدافعین پرشور بیانیه نیست. اینها برای "اندیشمندان" ما جزئی و پیش پا افتاده است. اینها دردشان خلیج همیشه فارس و تمامیت ارضی وطن شان است. کاری به میلیونها انسانی که در زندگی روزمره شان با این رژیم در تناقض هستند، ندارند. بیحقوقی زن و بیزرمتی روزمره و اعتراض به آپارتاید جنسی و حجاب، فقر کارگری که ۱۸ ماه است حقوق نگرفته و آزادی اعتصاب و تشکل ندارد، اعتراض معلمی که از فقر و حضور مذهب در محیط کارش به تنگ آمده، اعتراض جوانی که خلاصی از فرهنگ سیاه اسلامی و آزادی و آینده انسانی میخواهد، امر اینها نیست. جنبشی که لغو اعدام را میخواهد، جنبشی که حقوق کودک را میخواهد، جنبشی که آزادی و رفاه، برابری کامل زن و مرد، آزادی بدون قید و شرط سیاسی را میخواهد امر این "اندیشمندان" نیست. ←

# روحانی نرم غیر دولتی در بازار بی بی سی



کشت کند. زن از دید شما و اسلام نرم و خشنان انسان نیست، شخصیت انسانی مستقلی ندارد بلکه همیشه به دنبال مرد است. ام الفلان، بنت الفلان. حاج خانم و ...

هر قانونی میتواند اجبار آور باشد. ولی اجباری بودن هر قانونی دال بر انسانی بودن و متمدن بودن آن قانون نیست. نازی ها هم را قانونی میدانستند همچنانکه برای جمهوری اسلامیتان سیاه کردن زندگی میلیونها انسان قانونی و قرآنی است.

سوال دیگر از بهروز فدایی در باره سرکوبهای دهه شصت؟ جواب می دهند: "به دلیل اینکه در این مورد اطلاع زیادی ندارم، دلائل آن را نمی دانم و تعداد را نمی دانم و نمی دانم تا چه حد درست است، نمی توانم اظهار نظر کنم"

این آخوند نازنین و عزیز دردونه بی بی سی معلوم الحال، که به اعتراف خودش سالهای ۵۸ تا ۶۱ در مسئولیت مدیر برنامه های صدا و سیمای مشهد و مدیرکلی صدا و سیمای بوشهر و شیراز و سالها یار غار بودن حماسه آفرین دوم خرداد خاتمی بوده است و معلوم نیست در زمان صدارتش در این مناصب و در آن سالها که از زندانیان اعترافهای تلویزیونی گرفته می شد و کسانی مانند لاجوردی ها و شماها با دوربینهای مجهزتر از آنها فیلم می گرفتند و سناریوها و فیلم نامه های چگونگی پایان دادن به زندگی و شرافت انسانی هزاران هزار انسان را می نوشتید و ←

که مشکل جوانان با روحانیت حکومتی و مذهب حکومتی نیست بلکه با خود مذهب است. اگر به تمام معنی در جلد انسان ظاهر شود تبدیل به روحانیت میشود و اگر به تمام معنی در جلد حکومت تبدیل به جمهوری اسلامی و طالبان و ...

بر خلاف میل شما نه تنها مشکل جوانان بلکه مشکل بشریت خود مذهب و خود جهان بینی مذهب است. جوانان هم این را خوب میدانند، به میدان محسنی ها و به خیابانهای فقط همان تهران، که فکر کنم همه سوراخ سنبه های آن را از مقام روحانی حکومتی خوب می شناسید سری بزنید. تا ببینید که مردم چقدر رابطه نرمال با آخوندهای غیر حکومتی دارند!!!

سوال دیگر در باره اجباری بودن حجاب و اینکه چرا حجاب اجباری است؟ آیا شما اگر قانون گذار بودید اجازه آزادی حجاب را میدادید؟ جواب میدهند: "بخشی از سوال فقهی است، که فقها باید جواب بدهند و بخش دیگر اجباری بودن حجاب که به صورت قانونی در آمده است و هر قانونی میتواند اجبار آور باشد و توصیه میکند که محدودیتهایی از قبیل لباس ملی به نفع دین نیست."

این هم جواب آخوند غیر حکومتی به اجباری بودن حجاب. حالا کدام بخش فقهی است و کدام بخش نیست این را به فقهای جناب ابطی واکذار می کنیم. ولی همین اجباری بودن حجاب در بربریت اسلامی اولین تعبیرش بی حقوقی مطلق زن و تعبیر کردن او به عنوان بخشی از مایملک مرد که همچون کالا به آن میگرد و به امر آیه قرآنی، در "کشتراش شخم می زند و کاشت و برداشت میکند و مختار است که به هر شیوه ای در آن

سوالها متنوع است و حول و حوش، وضعیت سیاسی ایران و محمد ابطی به عنوان مقام حکومتی و غیر حکومتی میگردد، که بخشی جواب می گیرند و بخشی خیر. من اینجا فقط به چند سوال، و پاسخهایشان از طرف ابطی می پردازم. تا ببینیم که چگونه بعد از اینهمه فعالیتش در مقام حکومتی که هم اکنون از به یک کشیدنش احساس راحتی نمی کند، و می خواهد مانند روحانی بی گناه که مشغول دنیای خودش است و به قول منصور حکمت از آن نوع آخوندهایی است که کلکسیون پروانه درست می کند و زیر جامه اش را هفته ای دو بار عوض میکند، می خواهد همراه بی بی سی سر جوانها و مردم را کلاه بگذارند و تلاش کنند که دنیا را وارونه جلوه دهند.

نیم از شیراز، می پرسند چرا روحانیون در برقراری ارتباط با جوانان مشکل دارند. حالا ناگفته نماند که طریقه طرح سوال این را یادآور میشود که این سوال از مخیله کسی بیرون نمی آید که با روحانیت مشکلی دارد، و الا مشکل جوانان ارتباط گرفتن با روحانیون نیست، بلکه روحانیت بنگاه مذهب و نمایندگان زمینی آن است. جواب ابطی این است: "موانعی در جامعه هست، بیشتر این مشکل دچار روحانیون حکومتی (یعنی روحانیون غیر حکومتی) این مشکل را ندارند و قادرند که با جوانان رابطه برقرار کنند! و میگویند که رابطه نرمالی هم با مردم و جوانان دارند و میخوانند که روحانیت هم قاطی نسلسا کنند." اولاً خدمت این روحانی تو دل برو! صاحب مقام حکومتی، صید شده توسط بی بی سی فارسی. عرض شود

اهل اینترنت و وبلاگ خوانی و نوشتن خاطرات و سینما و هنر هم هست! و از بچگی دوربین سوپره هم داشته و همچنین دوست ندارد به عنوان مقام حکومتی به سوالها پاسخ دهد! در میان بگذارند. حالا چرا دوست ندارد در این مقام پاسخگو باشد دلیل شاید محبوبیت حکومت مطبوع آقای ابطی و جنابان بی بی سی باشد! حال ببینیم این ملای خنده رو و کارگردان سینمایی! ما که الهی بی بی سی قربونش بره، چگونه در مقام غیر دولتی اش به سوالات پرسش کننده گان جواب میدهد.

جنبش سرنگونی است که چند سال است برای سرنگون کردن این رژیم پا به میدان گذاشته. مردم و جنبش سرنگونی باید در مقابل طرح ها و تلاشهای راست برای تغییر رژیم بدون دخالت مردم و دست به دست کردن قدرت از بالا، پرچم و منشور خودش را باید بلند کنند. "نه" بزرگ خود را به رژیم و هر تلاشی برای متوقف کردن سرنگونی انقلابی رژیم اعلام کنند. این پرچم را حکمتیستها در دست دارند. "نه" به رژیم اسلامی و همه دم و دستگاه سرکوب آن، "نه" به عراقیزه کردن ایران، "نه" به دست به دست کردن قدرت از بالا و بدون دخالت مستقیم مردم، این منشور پلاتفرم رادیکال و چپ مردم است جمهوری اسلامی باید سرنگون شود، سرنگونی انقلابی با حضور و دخالت مستقیم و دائم مردم. این پرچم ما و همه میلیونها انسانهای آزادیخواهی است که برای رفتن جمهوری اسلامی و یک زندگی و دنیای بهتر مبارزه میکنند. این پرچم و نه ما به این رژیم است.

## فرزاد نازاری

کمان نکنم نیازی به افشاکاری بی سی و رو کردن دستش در دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی و مهره های رنگارکش باشد. بی بی سی دارد وظیفه خودش را انجام می دهد و به خوبی واقف است که مردم و بخصوص جوانان چقدر از اسلام و نهادها و نمادهاش که روحانیت هم یکی از آنهاست متنفرند و نه تنها روحانیت را بلکه کل دین را مقصر بدبختی خود می دانند در این وضعیت و بخصوص برای مقابله با مذهب سنتیزی جوانان و نشان دان چهره ای نرمتر از اسلام در به در به دنبال آخوند مدرن! میگرد و این بار هم سراغ آقای ابطی میروود و مردم را دعوت می کند که سوالهایشان را با این آخوند سوپر مدرن که



این بیانیه کرزای ها و طالبانی های آینده ایران است نه ادعانامه مردم علیه رژیم اسلامی. مردم همانقدر حاکمیت اسلامی که مردم را با شعار دفاع از اسلام سرکوب میکند را نمیخواهند که حاکمیت ملی که برای تمامیت ارضی و منافع ملی چماق سرکوب را در دست داشته باشد. مردم از فقری که به آنها تحمیل شده جانشان به لب آمده، مردم از دخالت مذهب در زندگیشان، از آپارتاید و حجاب اجباری، از نبود آزادی فعالیت احزاب سیاسی (نه فقط احزاب مدافع "خلیج همیشه فارس")، از حاکمیت فرهنگ و قوانین ارتجاعی اسلامی به تنگ آمده اند و در مقابل رژیم قرار گرفته اند. مردم از سرکوب آزادی هایشان، از خفقان و حاکمیت سپاه پاسداران و انصار حزب الله و اوباش رژیم به تنگ آمده اند. اینها پایه و اساس تقابل مردم علیه جمهوری اسلامی است و منشور سرنگونی حکمتیستها ادعانامه مردم و

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

در دوران جنگ تحمیلیتان انسانهای زیادی را عامدانه مسخ می کردید و آنها را گوشت دم توپ پسر عمویان صدام حسین می کردید. و تمام تلاشهای شبانه روزی تان را سازمان دادید تا آن جامعه را به چنین روزی بکشاند و نزدیک به سه دهه است که با شقاوت تمام خونش را می مکید. اینها را باید به حساب کی نوشت و حال فکر می کنید که می توانید به یمن دستگاه حکومتی تان وبه یمن رشادتهای امثال بی بی سی، سر جوانان را شیربه بمالید و سه دهه تاریخ جنایت و قتل و کشتار و ریا و بی حرمتی به مقام انسان را در کمال وقاحت و خونسردی پنهان کنید و داستان هزار و یکشب از زندگی هنری عارفانه خود به خورد مردم بدهید؟! باور کنید این جوری نمی شود مدرن شد نه اسلام شما و نه اسلام دکتر معین و نه هیچ اسلام دیگری در ایران برای هیچ کس قابل نجات نیست. به کاندید ریاست جمهوری تان بنگرید که دانشجویان دانشگاه اصفهان چگونه با شعارهای نان و آزادی و برابری و "نه" به باسپاتان، جواب دکتر معین را دادند.

سوال دیگر از یک پناهنده به گمانم اهل افغانستان است میگویند ۸ سال در ایران بودم از مردم ایران متشکر اما دولت ایران در این مدت هیچ حقوقی به ما نداد و حال در انگلستان بعد از یک سال، اقامت دائم گرفته ام. آن دولت اسلامی و این دولت کفار!

جواب میدهند: "اگر پناهنده در کشوری آسیب ببیند حق انسانی دارند که همه کشورها باید به آن احترام بگذارند و به آنها پناه بدهند. اگر ایران چنین نکرده است به خاطر آمدن پناهندگان افغان، طولانی بودن جنگ در افغانستان و بودن پناهندگان عراقی در ایران، این یک بحث و اینکه امکانات محدودی هم مثل حق شغل و آموزش و پرورش و غیره اول به شهروندان خود آن کشور تعلق میگیرد و بعد به مهاجرین و فکر هم می کند که مدیریت هر کشور برای شهروندان خودش اولویت قائل شود و بعد مهاجرین.

آدم باید دلش برای این مقام دولتی بسوزد که مدیریت مطبوعش بیچاره هر کاری که از دستش بر آمده برای پناهندگان افغانی و عراقی کرده و این یک بابا هم اگر ناراضی اند به خاطر طولانی بودن جنگ در افغانستان بوده و اینها هر کاری که از دستشان بر آمده برای شهروندان خودشان کرده اند و اگر غفلتی هم شده ناشی از محدودیت امکانات و اولویت شهروندان خودی بوده است.

چقدر آقای ابطحی و عزیزانش به این مردم خدمت کردند و خود و فرزندانش را اسیر یک دوره از تباهی و فقر و نابرابری و کشتار و نامیدی کردند. صدها هزار نفر را مسخ کردند و یا به زور آنها را میزم روشن نگه داشتن جنگی که به قول رهبر ارتحال گرفته آقای ابطحی نعمت بود، می کردند و روانه بهشتشان می کردند و از همان رادیو ها و تلویزیون هایی که این آقا افتخار مسئولیت آنها را داشته است سربازان امام زمان و عاشقان ابا عبدالله لقب می گرفتند و جانشان را برای گنده تر کردن جیب و شکم سرمایه داران اسلامی و

غیر اسلامی به هدر دادند. باهمین مدبری ناب اسلامیتان، انسانهای بی شماری را اعدام کردید، مادران و پدران را تا انتهای زندگیشان داغدار کردید. نیمی از شهروندان آن جامعه را انسان حساب نکردید و طبق فرامین قرآن مجیدتان آنها را سنگسار کردید. به زور اسید و قمه و همه قساوتتان حجاب سرش کردید و از ماهیت انسانی خالی اش کردید. غول اعتیاد را قویتر کردید و به جان مردم و جوانان انداختید. کرور کرور کودک و زن خیابانی تولید کردید. بیرحمانه و خشمگین و سازمان یافته، کارگر را به عصر بردگی عربان بردید و زندگی هزاران هزار خانواده کارگری را از هم پاشانید. و سرمایه های مادی و معنوی جامعه را صرف خشونت سیستماتیک علیه مقام انسان در آن کشور کردید. صرف تولید و حمایت و صدور تروریسم اسلام سیاسی در جهان کردید و یکی از اهرمهای اصلی بدبختی و تباهی زندگی مردم افغانستان و عراق امروز در کنار دیگر اهرمها بودید. سالها آنها را به شیوه ای وحشیانه استثمار کردید و دست آخرهم مشغول پاکسازی قومیشان هستید. حق هم دارید که نخواهید با شخصیت حقوقی "اسلامیتان" با مردم صحبت کنید. دسته گل که به آب ندادید، جنایت سازمان یافته علیه بشریت مرتکب شده اید. ولی میبینید که با شخصیت حقیقتان هم همان روحانی هستید که نقطه عظمت تفکرش پاسداری از دین مبین اسلام و دکان کلاه برداری و دروغ پردازی و خالی کردن جیب مردم زحمتکش است. روحانیت تان در مقام دولتی و غیر دولتی متهم است و برای مردم مهوع و نفرت آور. سری به خیابان بزنید تا ببینید که غیر حکومتی هایتان چقدر برای مردم محترم هستند! باور کنید امثال ملا حسنی که شمشیرش را همیشه از رو بسته است و بعضی مواقع هم باعث مزاح میشود در نزد مردم محترمترا! است تا کسانی مثل شما و بی بی سی که با دست پاچی مشغول تولید اسلام نرم! هستید. آخوند ویلاگیزه شده و اینترنتی شده و ملیح نشانه مدرن شدن اسلام و روحانیت و نرم شدنش نیست بلکه نشانه تسخیر تکنولوژی و بالابردن سرعت اشاعه جهالت و شارلاتانیسم مذهبی برای ادامه بقای ننگینش است.

در خاتمه تمام تلاش امثال بی بی سی و ابطحی ها این است که جلو رسوایی اسلام را در ایران بگیرند و تمام زشتیها و خصایص ضد انسانی جمهوری اسلامی، (که خودشان بخشی از این ماشین ضد بشری بوده اند) را متوجه آخوندهای حکومتی کنند و اسلام را ایدئولوژی و آیینی قلمداد کنند که بی آزار و شکیباست. تا بتوانند دوباره صنعت و بازاری سود آور و زالو صفت و ضد انسانی مذهب را حفظ کنند.

اما ۱۶ آتری ها، میدان محسنی ها و والنتاینی ها و ۸ مراسی ها و فستوالی های شادی و چهارشنبه سوری یکی از این روزها با سر به زمینتان خواهد زد.

زیر پا گذاشتن و تمسخر آشکار آیینها و دستورات مذهبی طلاهی همان هجوم بزرگ ضد اسلامی است.

## رادیو پرتو تغییر ساعات پخش

بدنبال تغییر ساعات در ایران، از روز اول

فروردین ماه

هر شب از ساعت 8 به وقت تهران

SW: 49 meter - 5810KHZ

www.radiopartow.com

Tel: 0046 707 399 868



## تلویزیون پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای  
چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰  
شب به وقت تهران ( ۵ تا ۶  
بعد از ظهر به وقت اروپای  
مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به  
وقت امریکای غربی) از شبکه  
کانال یک پخش میشود.  
این برنامه پنجشنبه ها  
ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح  
تهران مجدداً پخش میشود.

مدیر مسئول: آذر مدرسی

برنامه پرتو را روی سایت آن  
نیز قابل مشاهده است:  
[www.hekmatist.com/parto](http://www.hekmatist.com/parto)

## برنامه های زنده

تلویزیون پرتو  
هر چهارشنبه برنامه زنده  
گفتگو با فاتح شیخ، رئیس  
دفتر سیاسی حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست

ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ به وقت  
تهران از شبکه کانال یک

از این سایت ها دیدن کنید:

[www.javanx.com](http://www.javanx.com)  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.oktoobr.com](http://www.oktoobr.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)  
[www.iran-tribune.com](http://www.iran-tribune.com)  
[www.pasox.org](http://www.pasox.org)

## تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
[bahramsjk@yahoo.com](mailto:bahramsjk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۲

سر دبیر: فواد عبدالمولی  
[foadsjk@yahoo.com](mailto:foadsjk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر:  
جمال کمانگر  
[jkamangar@yahoo.com](mailto:jkamangar@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۱۰۶۱۹

معاون دبیر: نسیم رهنما  
[nasimrahnamadk@yahoo.com](mailto:nasimrahnamadk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۴۲۲۸۲۴۲۴۵

## معرفی معاونین دبیر سازمان

رفقا نسیم رهنما و جمال کمانگر با توجه به وسعت ابعداد فعالیت های سازمان جوانان حکمتیست، از طرف من بعنوان معاونین دبیر سازمان به هیت اجرایی سازمان معرفی شدند. مسولیت های محوله به این رفقا در هر دوره به اطلاع عموم خواهد رسید. برای این رفقا آرزوی موفقیت دارم.

بهرام مدرسی  
۳۰ اسفند ۱۳۸۳

به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید: [www.javanx.com](http://www.javanx.com)